اصغر کریمی

**حاج سعید طوسی و مخمصه جدید حکومت**

رو شدن تجاوز جنسی به ۱۹ کودک قاری قرآن توسط قاری بین المللی جمهوری اسلامی و تلاش ارگانهای مختلف حکومتی از رهبر و سیستم قضایی تا تعدادی از آیت الله ها و مقامات برای جلوگیری از رو شدن این پرونده، مخمصه تازه ای برای کل حکومت اسلامی ببار آورده است. این موضوعی است که تار و پود حکومت اسلامی از رهبر و بیت رهبری تا مجلس و سیستم قضایی حکومت را به چالشی عمیق کشیده و عمق جنایتکاری، بیرحمی و در عین حال تناقضات و معضلات غیر قابل حل این سیستم را بار دیگر مقابل چشمان مردم قرار داده است. این پرونده به تنهایی ذره ای آبرو برای هیچ مرجع حکومتی باقی نمیگذارد. این یک پرونده سیاسی و جنایی برای سران حکومت است.

این مساله صرفا موضوعی برای تبلیغ و افشاگری نیست. ابعاد و جوانب بسیار مهمی دارد که سعی میکنم به آنها بپردازم. لازم است ابتدا ماجرا را هرچند فشرده بررسی کنیم.

حاج سعید طوسی کارشناس مسئول نوجوانان جامعه قرآنی کشور در شورایعالی قرآن، شورایی که زیر نظر خامنه ای قرار دارد، مهمترین چهره قرآنی جمهوری اسلامی است که به بیست کشور توسط حکومت اعزام شده است. هدف از این سفرها ترویج فرهنگ قرآنی است. او در مجالس رهبر حضور می یابد، در افتتاحیه مجلس اسلامی قرآن میخواند، در صدا و سیما مشغول کار است و لابی های زیادی در سرتاپای حکومت دارد. او متهم است که در طول سالیان طولانی به تعداد زیادی از شاگردانش در کلاس قرآن در سنین ۱۱ تا ۱۴ سالگی تجاوز کرده و اکنون حداقل ۱۰ نفر از آنها علیه او شکایت کرده اند. از صدیقی امام جمعه تهران که از سال ۹۰ در جریان ماجرا است تا لاریجانی و سیستم قضایی که شکایت این کودکان به او ارجاع شده است تا خامنه ای و اعضای شورای قرآنی و لاریجانی و تعدادی از مقامات قضایی و اعضای ارشد دفتر خامنه ای، جملگی تلاش کرده اند این پرونده را بخوابانند اما بچه هایی که اکنون به سن ۱۸ و ۱۹ سال رسیده اند و خانواده هایشان همچنان مشغول پیگیری این پرونده اند. پنج سال تلاش این بچه ها و خانواده های آنان به سد سیستم قضایی و مقامات و بطور مشخص خامنه ای و دفترش خورده و به جایی نرسیده است. پس از پنج سال قربانیان مساله را رسانه ای میکنند و چند نفر از آنان در تماس با صدای آمریکا جزئیات ماجرا را توضیح میدهند و خبرگزاری بین المللی قرآن مجبور میشود اعتراف کند که به دادگاه شکایت شده و پرونده ای تشکیل شده است. ولوله در حکومت شروع میشود. خبرگزاری بین المللی قرآن که هرگونه اتهامی علیه سعید طوسی را رد کرده بود، مجبور میشود علنا اعلام کند که شاکیان سعید طوسی از لاریجانی خواستار رسیدگی به پرونده شده اند. در سال ۹۰ و ۹۱ پیگیری خانواده های قربانیان به اینجا منتهی میشود که قطبی دادیار دادسرای عمومی و انقلاب تهران از دادستان برای سعید طوسی تقاضای مجازات می کند که طبق قوانین اسلامی باید به اعدام محکوم شود. دادیار بیچاره نمیدانسته که این مساله حساسی برای حکومت و شخص خامنه ای است و ماجرا بیخ دارتر از این حرفها است. اینجا نماینده خامنه ای وارد قضیه میشود و پرونده از روال عادی خارج میشود و از دادستانی به دفتر رئیس قوه قضائیه ارسال میگردد. شواهد مربوط به تجاوز به کودکان از پرونده حذف میشود، کیفرخواست تغییر میکند و حاجی طوسی فقط به تشویق فساد و فحشا متهم میشود. اما همین پرونده هم که اتهامات اصلی از آن حذف شده است، بدستور دفتر خامنه ای، و بدون تردید با اطلاع و دستور مستقیم خود خامنه ای، جمع آوری میشود و بعدا سعید طوسی به یکی از این کودکان میگوید "آقا دستور دادند به قوه قضائیه که این پرونده را جمع کنید" و از قول خامنه ای میگوید "به آقای لاریجانی هم گفتیم که جمع کنند این داستان را". "این پرونده تمام است به نفع ما، به برکت قرآن و اهل بیت. به من هم گفته‌اند برخورد فیزیکی اصلاً نداشته باشید با شاکی؛ والّا آدم خیلی راحت می‌تواند سر طرف را زیر آب کند". فایل صوتی این صحبت ها توسط کودکان شاکی علنی شده است. کل این قضایا با پیگیری کودکان و ۹ سی دی که زیرکانه از صحبت های طوسی ضبط کرده اند، به اسناد و شواهدی محکم تبدیل شده و مقامات و ارگان های نظام دیگر به سادگی نمیتوانند آنرا رد کنند. قضیه هم مربوط به یک نفر و دو نفر نیست که سرشان را بتوانند زیر آب کنند. خدا میداند که در این چند سال چقدر برای ساکت کردن قربانیان و خانواده های آنها تلاش شده، چه جهنمی در این دنیا و چه عقوبتی در آن دنیا مقابل چشمشان قرار داده شده، احتمالا چند نفر "سرشان زیر آب شده"، چند واسطه در ردیف آیت الله ها و مقامات سراغ خانواده های این کودکان فرستاده شده و بطور واقعی تعداد قربانیان این چهره دینی قرآنی چه اندازه است. ولی هر چه هست سر قرقره باز شده است و به لطف مدیای اجتماعی و رسانه های اپوزیسیون امکان خفه کردن آن نیست. هنوز مخمصه حکومت از بابت سعید مرتضوی نور چشمی خامنه ای تمام نشده که حکومت و بیت رهبری با مخمصه ای دیگر مواجه شده است. این مساله میرود که به دردسری حتی بزرگتر برای حکومت تبدیل شود. در طول هفته ها و ماههای آینده به احتمال زیاد ابعاد و جزئیات بیشتر این ماجرا علنی میشود.

رو شدن این پرونده نه تنها یک لکه ننگ دیگری بر نظام مقدس اسلامی! و شورای قرآن و غیره است بلکه کل سیستم قضایی را هم یکبار دیگر در مقابل چشم مردم قرار داده است. اما مساله فراتر از این است. مقامات و ارگان های مختلف حکومتی از رهبر و لاریجانی و امام جمعه و کل سیستم قضایی متهمند که بجای رسیدگی به پرونده تجاوز به کودکان، کودکانی که قرار بوده به قاری قرآن خود حکومت تبدیل شوند، پرونده را جمع کرده و مانع رسیدگی به شکایت کودکان شده اند. تردیدی نیست که از احمدی نژاد که در سال های ۹۰ و ۹۱ رئیس جمهور بوده و روحانی و وزرا و نمایندگان مجلس نیز در جریان این ماجرا قرار داشته اند. اگر این قضایا در هر کشوری که مردمش کوچکترین آزادی و حرمتی دارند، اتفاق می افتاد، به برکناری و محاکمه کل این مجموعه بدلیل ارتکاب به جنایت می انجامید و کل یک دولت به زیر کشیده میشد. اما در جمهوری اسلامی چنین اتفاقاتی نه تنها عجیب نیست بلکه امری عادی محسوب میشود. اما مشکل حکومت این است که این فرهنگ ضد انسانی برای مردم و قربانیان این حکومت عادی نشده است! و آیا تردیدی در این است که در جمهوری اسلامی پرونده های اینچنینی که پای مقامات در کار است بسیار زیاد است؟ آیا تردیدی در این است که جنایاتی از این قبیل و تلاش برای مخفی نگهداشتن آنها در جمهوری اسلامی قاعده است نه استثنا؟ اما مساله این است که دیگر دوره ای نیست که این نوع پرونده ها برای دوره ای طولانی مخفی بماند. هر چند وقت یکبار و هر روز با ریتمی سریعتر یکی از این نوع پرونده ها بدلیل پیگیری قربانیان و یا شکاف های خرد کننده حکومتیان رو میشود.

**پدوفیلیسم حکومت اسلامی:**

جمهوری اسلامی یک حکومت پدوفیلی است. خمینی بنیانگذار این حکومت رابطه جنسی با دختر بچه های هفت هشت ساله را رسما در کتابش تجویز کرده و آنرا به قانون اساسی حکومت تبدیل کرده و مقامات و آیت الله های حکومت هم از آن دفاع میکنند و بعضا مثل ریشهری آنرا اجرایی میکنند و با دختر بچه های ۹ ساله ۱۰ ساله ازدواج میکنند. درست سه سال قبل مجلس شورای اسلامی با تایید شورای نگهبان ممنوعیت ازدواج با دخترخوانده ها، حتی کودکانی که تحت حضانت هستند، را هم برای تسهیل نیازهای جنسی مقامات و وابستگان حکومت و متنفذین در دستگاه حکومتی لغو کرد و به دولت روحانی ابلاغ کرد و خامنه ای در تایید این مساله گفت: "فرزند خوانده حکم فرزند ندارد و با مرد و زنی که او را بزرگ می کنند محرم نمی شود، مگر به وسیله رضاع با مراعات شرایط آن و یا ازدواج پس از رشد. قبل از بلوغ با اذن حاکم شرع و رعایت مصلحت طفل عقد موقت اشکال ندارد". صدها حدیث و سوره و فتوا درمورد ازدواج با کودکان در اسلام وجود دارد فقط توصیه شده است تا ۹ سالگی از رابطه جنسی خودداری شود. محمد پیغمبر خود نمونه و الگویی در این زمینه برای مشتی بیمار جنسی است که در حکومت های اسلامزده بر مردم حکومت میکنند. بنابراین حاجی سعید طوسی هم کاری خلاف قاعده انجام نداده است. لولیدن در قرآن و توضیح المسائل خمینی و حشر و نشر با آیت الله های حکومت و بیت رهبری محیط مساعدی برای پرورش سعید طوسی و هزاران سعید طوسی دیگر است. به قول حمید تقوایی "حاج آقا طوسی ها محصول و نتیجه آموزشهای مذهبی هستند و الهام بخش تجاوز جنسی قاری قرآن همین نوع آیات شیطانی بوده است".

**سیستم قضایی حکومت:**

از خلال پارگراف های فوق متوجه کارکرد سیستم قضایی جمهوری اسلامی شدیم. این همان سیستم قضایی است که کارگر را با شکایت کارفرماها محکوم به شلاق و زندان میکند. همان سیستم قضایی که تجاوز به کودکان نه ساله ده ساله را مشروع میداند اما صدها بزرگسال را بدلیل رابطه جنسی خارج از ازدواج سنگسار کرده است. صدها جوان را به جرم خوردن مشروب به شلاق بسته است. از آیت الله ها و مقاماتی که صدها میلیارد دلار اختلاس و دزدی آشکار دارند حمایت کرده و در عضو انگشتان صدها نفر را بدلیل سرقت یک کیلو پنیر قطع کرده است و هزاران و هزاران جنایت دیگر در پرونده اش قرار دارد. این ادامه همان سیستم قضایی است که دهها هزار زندانی سیاسی را شکنجه و اعدام کرده و یا مورد تجاوز قرار داده است. همان سیستم قضایی که امثال سعید مرتضوی و قاضی مقیسه و صلواتی و یا امثال لاجوردی و ریشهری و پورمحمدی و خلخالی دست اندرکاران اصلی آن بوده اند. اما مساله این است که این سیستم که مقامات از آن بعنوان ارگانی مستقل صحبت میکنند و همین هشت ماه قبل ظریف وزیر خارجه روحانی در لندن گفته بود "قوه قضاییه ما مستقل است و بسیار به این استقلال اهمیت می‌دهد" اکنون بیش از پیش برای عالم و آدم رو شده است که به چه نهادهایی وابسته است و چگونه عمل میکند.

**پرونده جنایی به پرونده سیاسی تبدیل میشود:**

علنی شدن تجاوز سرشناس ترین قاری حکومت به حداقل ۱۹ کودک قاری قرآن و رو شدن نقش دفتر خامنه ای برای جمع کردن پرونده، این پرونده را، که یک پرونده جنایی نه تنها برای سعید طوسی بلکه برای شخص خامنه ای و لاریجانی و همه کسانی است که جلو رسیدگی به این پرونده را گرفته اند، به یک موضوع سیاسی برای حکومت تبدیل میکند. اکنون مانده اند که چگونه این اسکاندال جدید را جمع کنند. چگونه آنرا ماستمالی کنند. آنچه قطعی است این است که نمیتوانند پرونده را زیر فرش کنند. آیا در تصادفی ساختگی سر این قاری حکومت را زیر آب میکنند تا شاید خسارت خود را کمتر کنند؟ او را رسما و علنا به دادگاه میکشانند و اجازه میدهند که این پرونده هر روز بیشتر رسانه ای شود و نقل مجالس شود و بی آبرویی بیشتری به بار آورد؟ طبق قوانین مجازات اسلامی حکم اعدام برایش صادر میکنند؟ اما سعید طوسی گفته است اگر مرا محکوم کنند حداقل صد نفر را به پایین میکشم. یعنی پای خیلی از مقامات به انحاء مختلف در این پرونده گیر است. یا احتمالا اشخاص دیگری پرونده مشابه او دارند و او میتواند آنها را رو کند و دردسر حکومت را بیشتر کند.

اپوزیسیون حکومت، از هزاران فعال مدیای اجتماعی تا احزاب و رسانه های معاند! از جمله حزب کمونیست کارگری هم آماده اند که این موضوع را به یک بحران تمام عیار سیاسی برای حکومت تبدیل کنند، باروت تازه تری به مردم معترض بدهند و حکومتیان و مزدوران و جیره خوارانشان در داخل و خارج را سرافکنده تر کنند و به ریزش در حکومت ابعاد بیشتری بدهند. نگرانی از اپوزیسیون را در اظهار نظر عباس سلیمی، پیشکسوت قرآنی و قاری بین‌المللی حکومت میتوان دید که در خبرگزاری قرآنی گفته است "بهره‌گیری از یک پرونده به سرانجام نرسیده، مساله ای است که این روزها به حربه‌ای در دستان ناپاک دشمنان دین و انقلاب مبدل شده است". و اپوزیسیون به یمن شکاف های عمیق درون حکومت روزی نیست که حربه تازه ای از فساد گسترده مقامات بالای حکومت در دست نداشته باشد. محمدرضا حشمتی معاون قرآن و عترت وزارت ارشاد هم در واقع جوابی به اظهار نظر یک رسانه دیگر حکومتی که هفته قبل در جریان ماجرای عاشورا گفته بود تشیع در کانادا با استقبال بیشتری روبرو میشود! داده است: "بعضی اقشار نظیر روحانیون، متدینین و به ویژه قاریان قرآن و مداحان در جایگاه ویژه­ای قرار دارند که خطای آنان ناخودآگاه باورهای دینی مردم را تضعیف می ‌نماید". اما این خطاها! ۳۷ است بطور سیستماتیک از جانب کل مقامات و آیت الله ها سر زده است و نتایج مذهبی و فرهنگی و سیاسی خود را تمام و کمال به بار آورده است. ریزش حکومت از هر زمان دیگری بیشتر شده است. اعتماد بنفس شان در سطوح مختلف برای مقابله با مردم بسیار پایین آمده است. زمینه برای استفاده مردم خشمگین و متنفر از کل این عمارت الهی و اسلامی هر چه بیشتر فراهم شده است.